

کهن‌ترین اثر شیعی در شرح دعای سمات و مؤلف آن

دکتر کامران ایزدی / سیدمحمدهادی گرامی / مصطفی فروتن تنها

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

شیخ ابراهیم کفعمی، محدث برجسته امامی در سده نهم و دهم هجری، اثر کمتر شناخته شده‌ای به نام *صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات* دارد که قدیمی‌ترین شرح دعای سمات است. این کتاب به رغم جایگاه و اهمیتش، هنوز نسخه‌ای خطی است. این مقاله ابتدا به شرح حال و معرفی آثار کفعمی می‌پردازد؛ سپس این اثر مهم را بررسی و واکاوی می‌کند و به مباحث مهمی همچون منبع‌شناسی و روش‌شناسی کفعمی در این کتاب می‌پردازد. این مقاله به دیگر مطالب مهم مطرح شده در این کتاب، همچون علوم ادبی، پیامبرشناسی، فرهنگ‌شناسی، مکان‌شناسی و طبیعت‌شناسی نیز می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: صفوة الصفات، دعای سمات، کفعمی، فهم حدیث، شرح دعا.

۱. مقدمه

دعای «سمات» از ادعیه مشهوری است که به گفته مجلسی (د ۱۱۱۱ق) در همه قرون و بلاد شیعی در غایت شهرت بوده است (مجلسی، ۱۴۴ق، ج ۸۷، ص ۱۰۱). بر اساس گفته وی، این دعا به سندهای معتبر، از محمد بن عثمان بن سعید عمری - از نواب اربعه - از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹). برخی از شارحان دعای سماء، بر این باورند که گرچه سند این دعا بر اساس ملاک‌های امامیان متأخر صحیح نیست، اما با توجه به شهرت آن در همه اعصار و علو مضامین آن، بر اساس اصطلاح قدما می‌تواند متصف به صحت شود (دهکردی، ۱۳۸۵، ص ۴۱-۴۲).

این دعا در کتب مختلف حدیث و دعای امامیه از سده چهارم تا کنون نقل شده است. قدیمی‌ترین کتابی که دعای سماء در آن یافت می‌شود مصباح المتعبد شیخ طوسی (د ۴۶۱ق) است که آن را در اعمال مستحب آخرین ساعات روز جمعه نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۱۶). پس از وی سید بن طاووس (د ۶۶۴ق) در اواخر کتاب جمال الأسبوع دعای سماء را با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده، و در پایان، اقدام به شرح برخی الفاظ مشکل آن نموده است (ابن طاووس، ۱۳۷۱، ص ۳۲۱). شاید بتوان ابن طاووس را در سده هفتم، نخستین کسی دانست که - نه در قالب اثری مستقل - اقدام به شرح الفاظ دعای سماء کرده است.

در همین قرن علی بن حسین باقی قرشی، معروف به سید بن باقی (د قرن ۷) در کتاب اختیار من المصباح که به نظر می‌رسد تألیف آن را در سال ۶۵۳ق به پایان برده باشد (قمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۳۰)، این دعا را نقل کرده است (ابن باقی، ۱۰۹۳ق، ص ۱۶۶). پس از قرن هفتم، ابن فهد حلی در کتاب عدة الداعی به این دعا اشاره کرده، آن را از مستحبات آخرین ساعات روز جمعه قلمداد نموده است (ابن فهد حلی، [بی‌تا]، ص ۵۵).

پس از وی، ابراهیم کفعمی این دعا را در کتاب‌های خود همچون *البلد الامین* (کفعمی، ۱۳۸۳، ص ۷۷) و *مصباح* (کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۲۳) و *صفوة الصفات* - که شرح دعای سمات است - نقل کرده است.

لذا می‌توان ادعا کرد دعای سمات از ادعیه مشهور شیعه در طول اعصار مختلف بوده است و به همین سبب اندیشمندان بسیاری به شرح آن مبادرت کرده‌اند (نک به: ادامه همین مقاله)؛ اما در میان آنها کتاب *صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات* تألیف محدث امامی قرن نهم، شیخ ابراهیم کفعمی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است (نک به: ادامه همین مقاله). به رغم اهمیت بسزا، این اثر، همچنان نسخه‌ای خطی است و تا کنون اقدامی برای تصحیح و چاپ آن صورت نگرفته است.^۱

۲. آشنایی با مؤلف «صفوة الصفات»

۲-۱. نام‌شناسی کفعمی

همانگونه که اسم نسبت از بنی عبدالدار، «عبدری» و اسم نسبت از حصن کیفا، «حصکفی» است، «کفعمی» نیز اسم نسبت از «کفرعما» روستایی از روستاهای منطقه «صفد» واقع در فلسطین است (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۷۶)؛ اما برخی بر این باورند که «کفعمی» اسم نسبت از «کفرعیما»، روستایی در ناحیه «شقیف» جبل عامل نزدیک «جبشیت» است که تنها آثار آن باقی است (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۵).

از نظر شیخ بهایی، اصل این واژه «کف عیما» و اسم نسبت ساخته‌شده از آن، «کفعیماوی» است. وی معتقد است «کف» در گویش ساکنان جبل عامل، به معنی روستا و «عیما» نام روستایی است. حروف «ی»، «ا» و «و» نیز به دلیل شدت امتزاج و ترکیب و کثرت استعمال حذف شده، در نهایت به کفعمی تبدیل شده است (صدر، همان).

۱. نویسندگان مقاله به‌زودی با اتمام کار تصحیح و تحقیق کتاب «صفوة الصفات»، زمینه چاپ و عرضه آن را فراهم خواهند نمود.

بیشترین کاربرد واژه «کفر» مربوط به اهل شام است. این واژه در زبان سریانی - که از قدمت و رواج فراوانی در این منطقه برخوردار بوده است - به معنای روستا است؛ مثلاً «کفر ثوئی» و «کفر عاقب» نام روستاهایی است که به اسامی بزرگانی در آن زمان منسوب شده است (همان، ص ۷۵).

۲-۲. نگاهی به شرح حال کفعمی

شیخ تقی‌الدین ابراهیم بن شیخ زین‌الدین علی بن شیخ بدرالدین حسن بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ اسماعیل حارثی همدانی عاملی کفعمی، ادیب، محدث، مفسر، فقیه، شاعر و خوشنویس شیعی قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است؛ شخصیتی دانشمند که جامع علم و ادب، کمال و عرفان و زهد و عبادت است. نسب وی به تابعی بزرگوار و صحابی امیرالمؤمنین علیه السلام، حارث بن عبدالله أعمور همدانی می‌رسد (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۷۷).

کفعمی در روستای کفرعیما از روستاهای جبل عامل به دنیا آمد. درباره تاریخ ولادت وی اختلاف نظر وجود دارد. شیخ آقا بزرگ، آن را حدود سال ۸۲۸ هجری (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۷۳) دانسته است و صاحب *اعیان الشیعه* تولد کفعمی را به سال ۸۴۰ هجری می‌داند (امینی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۴). برخی پژوهشگران معاصر بر این باورند که وی در ابتدای قرن نهم متولد شده است (حسون، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰-۲۱). به هر روی با توجه به تاریخ تألیف برخی آثار کفعمی که مربوط به سال ۸۴۳ یا ۸۴۸ قمری است (نک به: ادامه مقاله)، گزارش سیدمحسن امین بعید می‌نماید.

شیخ ابراهیم کفعمی چهار برادر به نام‌های: رضی‌الدین، شرف‌الدین، شیخ جمال‌الدین أحمد و شمس‌الدین محمد داشته است. شیخ جمال‌الدین احمد صاحب *زبدة البیان فی عمل شهر رمضان* است که کفعمی از آن در آثارش استفاده کرده است. وی جدّ اعلای شیخ بهائی است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۸۰).

مشایخ روایت کفعمی عبارتند از: ۱. پدرش شیخ زین‌الدین علی (د ۸۶۱ق): وی از فقیهان بزرگی است که از او با عنوان «الفقیه الأعظم الأورع» یاد می‌کند؛ ۲. سیدشرف فاضل حسین بن مساعد حسینی حائری (زنده ۹۱۷ق)، صاحب کتاب تحفة الابرار فی مناقب الائمة الاطهار؛ ۳. شیخ زین‌الدین نباطی بیاضی (د ۸۷۷ق) صاحب کتاب الصراط المستقیم؛ ۴. علی بن عبدالحسین موسوی حسینی (د ۹۰۵ق) صاحب کتاب رفع الملامة عن علیّ فی ترک الإمامة (همان).

مشهور آن است که کفعمی مدّتی در کربلا اقامت گزید تا در کنار مرقد مطهر سیدالشهدا^(ع) از دنیا برود و در همان‌جا دفن شود. او شعری نیز در همین باره خطاب به خانواده خویش سرود (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۷)، اما در نهایت به زادگاه خود جبل عامل بازگشت و در آستانه سلطنت شاه‌اسماعیل صفوی در همان‌جا وفات نمود و در روستای جبشیت دفن شد (همان، ص ۱۸۴).

تاریخ وفات او را سال ۹۰۰ق (همان) و یا ۹۰۵ق (آقا بزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۷۳) دانسته‌اند و برخی از اصحاب تراجم، تاریخ وفات او را مجهول می‌دانند (نک به: امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۴). درباره قبر کفعمی نیز گفته شده که در سده یازدهم هجری طی یک حادثه عجیب و شگفت‌آور آشکار شده است (نک به: افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۲/صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۷۶).

۲-۳. کفعمی از نگاه بزرگان

شیخ ابراهیم کفعمی از اندیشمندان شیعی بسیار بلندآوازه است که در کتب رجال و تراجمی که پس از وی نگاشته شده، به نیکی یاد شده است.

احمد مقرئ (د ۱۰۴۱ق) در *نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب* تأکید می‌کند: فرد موفق‌تری چون کفعمی، در حفظ و جامعیت، ندیده است (نک به: امین، همان، ص ۱۸۵).

شیخ حرعاملی (د ۱۱۰۴ق) کفعمی را فردی ثقه، فاضل، ادیب، شاعر، عابد، زاهد و با ورع می‌داند (حرعاملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸).

علامه مجلسی (د ۱۱۱۱ق) که از کتب کفعمی در بحارالانوار بسیار بهره گرفته است، در توصیف کتاب مصباح کفعمی می‌گوید: کتاب جنة الأمان الواقية مشهور به مصباح متعلق به شیخ عالم فاضل کامل، إبراهيم بن علی بن الحسن بن محمد الکفعمی - رضی الله عنه - است و کتاب البلد الأمين و کتاب صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات نیز از آن اوست (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶). وی به مناسبتی دیگر درباره وثوق او می‌گوید: مشهور و معروف بودن آثار کفعمی و فضیلت مؤلف آنها، ما را از سخن گفتن درباره اعتبار کتب و شخصیت وی، بی‌نیاز می‌کند (همان، ص ۳۴).

میرزا عبدالله افندی اصفهانی (د ۱۳۴ق) از شاگردان علامه مجلسی در ستایش کفعمی می‌گوید:

شیخ اجل، عالم فاضل کامل و فقیه، معروف به کفعمی، از جلیل‌ترین دانشمندان شیعه ... صاحب ید طولایی در انواع علوم به‌خصوص عربیت و ادب و عالمی جامع و کثیر التتبع است. وی صاحب کتاب‌های فراوانی است که بیشتر آنها از کتب غریب، لطیف و معتبر است (افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۱).

میرزا حسین نوری طبرسی (د ۱۳۲۰ق) نیز از کفعمی با اوصافی چون «فاضل متبحر» یاد کرده است (نوری، ۱۴۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

سید محسن امین (۱۳۷۱ق) درباره وی می‌گوید:

در مورد کثرت عبادت کفعمی نقل شده که او تمام عبادات و مستحباتی را که در مصباح ذکر کرده، انجام داده است... کفعمی اطلاعات جامعی در ادبیات دارد و از امکان بدیهه‌گویی سریعی در نظم و نثر برخوردار بوده؛ چنان‌که از آثارش هویداست (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۵).

شیخ ابراهیم کفعمی، از جمله کسانی است که دربارهٔ واقعه غدیر خم شعر سروده است؛ از این رو علامه امینی (د ۱۳۹۲ق) شرح حال وی را در *الغدیر* آورده است و به بالاترین اوصاف مدح وی را ستوده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۷۷-۲۷۸).
خیرالدین زرکلی (د ۱۴۱۰ق) کفعمی را مردی ادیب و از فضیلتی امامیه دانسته است که آثار وی در نظم و نثر به ۴۹ کتاب و رساله می‌رسد که در میان آنها خلاصهٔ آثار برخی متقدمان وجود دارد (زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۵۳).

۲-۴. آثار و تألیفات کفعمی

کفعمی که آثار فراوانی در علوم متنوع اسلامی دارد، نقش بسزایی در تدوین و تکمیل آثار شیعی در قرن نهم هجری ایفا کرده است. تنوع موضوعات در آثار وی، نشانگر تسلط او بر علوم مختلف و رایج عصر خویش است. تا کنون نزدیک به پنجاه اثر از تألیفات کفعمی در موضوعاتی از جمله: فرائد، تفسیر، ادبیات، شعر، تاریخ، حدیث، اخلاق، عقاید، فقه، دعا و زیارات شناخته شده است. تفصیل آثار او بدین قرار است:

۱-۴-۲. *أرجوزة ألفية في مقتل الحسين* و *اصحابه*: این کتاب در واقع، مقتل امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان است که اشعار آنها را نیز در بر می‌گیرد. کفعمی در *فرج الكرب و فرح القلب* درباره این تصنیف می‌گوید: «مانند این کتاب تا به حال نوشته نشده و برگرفته از کتاب‌های متعدد است» (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۲-۴-۲. *البدیعیة فی مدح خیر البریة*: قصیده‌ای میمی است که مشتمل بر انواع زیبایی‌های لفظی و معنوی علم بدیع است. او این کتاب را با خطبهٔ غرائی در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان برده است و در آن اسامی سور قرآنی را به صورت پنهانی آورده است که با عنوان «أسماء السور القرآنية» به تحقیق سیدمحمدرضا حائری در مجله تراثنا شماره ۲۸ به چاپ رسیده است (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۷۳-۷۴/ همان، ج ۲۶، ص ۹۲). کفعمی در دو جای *صفوة الصفات* از این کتاب یاد کرده است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۵ و ۳۵۸).

۳-۴-۲. البلد الامین و الدرع الحصین: در عبادات و ادعیه و حرزها و زیارات و مستحبات و آداب و اعمال هفته و ماه و غیر اینها است. این کتاب در سال ۸۶۸ هجری تألیف شده است (کتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۸۷ / آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۳، ص ۱۴۳). کفعمی در سه جای صفوة الصفات به این کتاب اشاره کرده است (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۳۵، ۴۴ و ۴۵).

۳-۴-۲. تاریخ وفيات العلماء (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۹۵).

۳-۴-۵. التلخیص فی مسائل العویص من الفقه: کتاب مسائل العویص نوشته شیخ مفید (۱۳ق) را تلخیص کرده است (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۳-۴-۶. الجدول: در تواریخ معصومان علیهم السلام و زندگی‌نامه مختصر ایشان (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۹۰).

۳-۴-۷. جمال حدیقة أنوار الجنان الفاخرة و کمال حدیقة أنوار الجنان الناظرة: کفعمی در متن صفوة الصفات از این کتاب یاد می‌کند و داستان عجیبی از آن نقل می‌کند (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۴۵۷). از این کتاب همچنین با نام‌های حدیقة أنوار الجنان الفاخرة و حدیقة أنوار الجنان الناظرة (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶) و حدیقة الدار الجنان الفاخرة و حدیقة أنوار الجنان الناظرة یاد شده است (افندی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸).

۳-۴-۸. جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية: این اثر به دلیل شباهت روشی به مصباح المتجهد شیخ طوسی، به مصباح کفعمی شهرت دارد. کتابی پرمحتوا و پرفایده که تاریخ تصنیف آن سال ۸۹۵ق است. این کتاب دربردارنده دعاها، تسبیح‌ها، زیارت‌ها، نمازها و اقسام استخارات است که چهل فصل دارد (کتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۹). این اثر در میان آثاری که درباره «ادعیه و زیارات» نوشته شده، بی‌نظیر است.

۳-۴-۹. الجنة الواقية و الجنة الباقية: خلاصه‌شده کتاب مصباح است (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۵، صص ۱۵۶ و ۱۶۱). علامه مجلسی در نسبت این کتاب به کفعمی تردید کرده است

و آن را متعلق به بعضی از متأخران می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷). افندی نیز در نسبت این کتاب به کفعمی تردید کرده است (افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۳)؛ اما با توجه به اینکه کفعمی در کتاب *صفوة الصفات* در دو مورد از این کتاب نقل می‌کند و آن را به خود نسبت می‌دهد، جایی برای این تردید باقی نمی‌ماند (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۳۴۸ و ۳۵).

۱۰-۴-۲. *الحاشية علی كشف الغمة*: از این کتاب در *فضائل السادات* نقل شده و مؤلف، آن را از مآخذ خود دانسته است (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۸۶). نام این کتاب در *ایان الشیعة* به شکل «تعلیقات علی كشف الغمة» آمده است (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۱۱-۴-۲. *حجلة العروس*: این کتاب از آثار کفعمی برشمرده شده است (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶/افندی، ۱۴۱۰، ص ۳۸). کفعمی نیز آن را در منابع کتاب *مصباح* ذکر کرده است (کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۷۷۳).

۱۲-۴-۲. *الحديقة الناضرة* (آقا بزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۳۸۹/بغدادی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۹۹).
۱۳-۴-۲. *حياة الارواح و مشکاة المصباح*: مشتمل بر ۷۸ باب در نکات ظریف و اخبار و آثار و آداب و مواعظ که به شکل نظم و نثر است. در مجموع، کتابی است که هیچ‌کس از مطالعه آن خسته نمی‌شود و مانند نامش زندگی‌بخش روح‌هاست (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۱۵). شیخ آقابزرگ تهرانی تاریخ تألیف این کتاب را ۸۵۴ق دانسته است (همان)؛ ولی صاحب *ایان الشیعة* تألیف آن را به سال ۸۴۳ق می‌داند (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶). کفعمی در *صفوة الصفات* از این کتاب یاد کرده است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۵).

۱۴-۴-۲. *الرسالة الواضحة فی شرح سورة الفاتحة* (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ص ۲۲۹). کفعمی از این کتاب در *صفوة الصفات* نام برده و از آن استفاده کرده است (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۴۸۶ و ۵۲۶).

۱۵-۲-۴. الروضة و النحلة (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶) که در الذریعة با عنوان النحلة (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۸۴) آمده است.

۱۶-۲-۴. زهر الربیع فی شواهد البدیع (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶) که ظاهراً همان «رسالة فی علم البدیع» است که آقا بزرگ تهرانی از آن یاد می‌کند (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷-۱۲۸).

۱۷-۲-۴. صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات: از این کتاب در منابع مختلف تراجم و کتابشناسی یاد شده است (آقابزرگ تهرانی، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۹/ همان، ج ۱۵، ص ۵۰/ کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۱/ بغدادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۸) و انتساب آن به مؤلفش قطعی است (نک به: ادامه مقاله). در این کتاب سند دعای سمات و فضیلتش نقل شده، سپس قسمتی از الفاظ دعا شرح گشته است. بر اساس متن کتاب، کفعمی در سال ۸۷۵ق از تألیف آن فارغ شده است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۵۳۳).

۱۸-۲-۴. العین المبصرة (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۳۷۳).

۱۹-۲-۴. فرج الكرب و فرح القلب: در علم ادب؛ شامل بیست‌هزار بیت در بحر بسیط مشتمل بر ۱۵۰ نوع از انواع بدیع. این کتاب در واقع «شرح الکافیة البدیعیة فی مدح خیر البریة» معروف به بدیعیة صفی‌الدین حلی (د ۷۵۰ق) است که کفعمی آن را «فرج الكرب و فرح القلب» نام نهاده است (همان، ج ۱۴، ص ۳۱/ همان، ج ۱۶، ص ۱۵۶).

۲۰-۲-۴. الفوائد الشریفة فی شرح الصحیفة: نام این کتاب در برخی منابع، علاوه بر صورت مزبور به شکل «الفوائد الطریفة» نیز آمده است (همان، ج ۱۶، ص ۳۴۶)؛ اما با توجه به اینکه کفعمی در صفوة الصفات، صراحتاً کتاب «الفوائد الشریفة» را به خود نسبت می‌دهد (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۴۳ و ۴۸۸)، به نظر می‌رسد نام صحیح کتاب، «الفوائد الشریفة» باشد.

۲۱-۲-۴. قراضة النظیر و خلاصة التفسیر: تلخیصی از «مجمع البیان» طبرسی (د ۵۴۸ق) است (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۱۱).

۲۲-۴-۲. القصيدة الغديرية: در ۱۹۰ بیت در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام و وصف روز غدیر است (همان، ج ۱۶، ص ۲۶/ همان، ج ۱۷، ص ۱۲۳).

۲۳-۴-۲. الكوكب الدرّی (همان، ج ۱۸، ص ۱۸۵) یا الكواكب الدرية (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۲۴-۴-۲. اللفظ الوجیز فی قراءة القرآن العزیز (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۱۸، ص ۳۳۷).

۲۵-۴-۲. لمع البرق فی معرفة الفرق: کتابی در بیان تفاوت بین الفاضلی که معنایی نزدیک به یکدیگر دارند (همان، ج ۱۸، ص ۳۴۸). به دلیل آنکه کفعمی معمولاً از هر کتاب خود با نام‌های مختلف یاد می‌کند، به نظر می‌رسد «فروق اللغة» (همان، ج ۱۶، ص ۱۸۷) نام دیگر همین کتاب باشد که در صفوة الصفات هم از آن نام برده است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۷۶-۳۷۸).

۲۶-۴-۲. مجموع الغرائب و موضوع الغرائب: کتابی است کشکول‌مانند که از تألیف آن در سال ۸۹۵ق فارغ شده است و در انتهای آن می‌گوید: «آن را از کتاب بزرگ و بی‌نظیرم جمع‌آوری کردم و در آن از هزار مؤلف و مصنف مطلب آوردم» (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۵۶).

۲۷-۴-۲. محاسبة النفس اللوامة و تنبيه الروح النوامة: در این کتاب پند و اندرزهایی در مورد نفس و محاسبه آن آمده است (کتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۴۹۰). این کتاب به تصحیح فارس حسون به چاپ رسیده است.

۲۸-۴-۲. مشکاة الأنوار: این اثر کتابی در دعاست (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص ۵۳).

۲۹-۴-۲. مقالید الكنوز فی أفعال اللغوز (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۳۰-۴-۲. المقام الأسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی: عناوین «المقام الأسنی فی شرح الأسماء الحسنی» (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۲۲، ص ۵) و «المقصد الاسنی فی شرح الاسماء الحسنی» (بغدادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۴۶) نیز برای این کتاب ذکر شده است. کفعمی در صفوة الصفات، با دو نام «شرح الأسماء الحسنی» (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۸) و «تفسیر

الأسماء الحسنی» (همان، ص ۴۴) از این کتاب نقل نموده است؛ اما به گفته مصحح این کتاب، نام درست آن «المقام الأسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی» است (حسون، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۸). این کتاب، شرح أسماء حسنايي است که در دعای جوشن - که از أميرالمؤمنين عليه السلام روایت شده - آمده است (آقابزرگ، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۶). طبق نظر دیگری، نام این کتاب دعوات الأسماء است که خلاصه دعوات الأسماء فی شرح أربعين اسماً من أسماء الحسنی، تألیف شیخ شهاب‌الدین سهروردی (د ۵۸۷ق) است (همان، ج ۸، ص ۲۰۱/همان، ج ۲۲، ص ۱۱۰). این اثر در شماره ۲۰ مجله تراننا به تحقیق شیخ فارس حسون به چاپ رسیده است.

۳۱-۴-۲. ملحقات الدرود الواقية: علامه مجلسی از این کتاب در بحارالانوار نقل می‌کند (همان، ص ۱۹۹). کتاب الدرود الواقية در اعمال روزهای ماه قمری است و تصنیف ابن طاووس است.

۳۲-۴-۲. المنتقى فی العوذ و الرقى (همان، ج ۲۳، ص ۸/بغدادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۷۰).

۳۳-۴-۲. منهج السلامة فيما روى مؤكدا صيامه: ارجوزه‌ای درباره ایامی است که روزه در آنها مستحب است. وی همانگونه که خودش می‌گوید، این ارجوزه را به امر شیخ عزالدین حسین بن موسی بن حسین عاملی به نظم درآورده است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۲۳، ص ۱۹۱).

۳۴-۴-۲. النخبة (همان، ج ۲۴، ص ۹۰/امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶).

۳۵-۴-۲. نور حدقة البديع و نور حديقة الربيع: در شرح بدیعه کفعمی که همان قصیده میمی معروف اوست (آقا بزرگ، ۱۴۶ق، ج ۲۴، ص ۳۶۶).

۳۶-۴-۲. نهاية الأدب فی أمثال العرب: کتابی است بزرگ در دو مجلد (همان، ج ۲، ص ۳۴۶/همان، ج ۲۴، ص ۳۹۴/بغدادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۹۰). نام این کتاب در أعيان الشيعة به صورت «نهاية الارب في أمثال العرب» آمده و گفته شده است این کتاب با این شکل و با این محتویات بی‌نظیر است (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶)؛ ولی علامه امینی از این کتاب با عنوان كفاية الأدب في أمثال العرب یاد کرده است (امینی، ۱۴۶ق، ج ۱۱، ص ۲۱۴).

۳۷-۴-۲. حاشیة جنة الأمان الواقية و جنة الايمان الباقية (کنتوری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۲). علاوه بر تألیفات فوق، میرزا عبدالله افندی اصفهانی از آثاری نام می‌برد که آنها را به خط کفعمی در ایروان دیده است. وی می‌گوید: کفعمی مجموعه بزرگ و پرفایده‌ای دارد که شامل آثار متعدّد اوست و من آنها را به خطّ او در ایروان آذربایجان دیده‌ام. تاریخ اتمام کتابت بعضی از آنها، سال ۸۴۸ق، پنج روز مانده به پایان ماه رمضان است و تاریخ بعضی از آنها سال ۸۴۹ق و بعضی دیگر ۸۵۲ق است (افندی، ۱۴۱ق، ج ۱، ص ۲۲). کتاب‌هایی که در ادامه می‌آید، مواردی است که میرزا عبدالله افندی از آنها یاد کرده است:

۳۸-۴-۲. اختصار تفسیر علی بن ابراهیم القمی.

۳۹-۴-۲. اختصار جوامع الجامع امین الاسلام طبرسی.

۴۰-۴-۲. اختصار الحدود و الحقائق: در تعریف الفاظ شرعی. اصل کتاب الحدود و الحقائق متعلق به سید مرتضی است. همچنین ابن شهر آشوب کتابی با نام أعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق دارد. ظاهراً اختصار نوشته‌شده توسط کفعمی، مختصرشده یکی از این دو است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱، ص ۳۵۶).

۴۱-۴-۲. اختصار زبدة البیان؛ «زبدة البیان» مختصری است از مجمع البیان طبرسی که استاد کفعمی، شیخ زین‌الدین بیاضی (د ۸۷۷ق) آن را تألیف کرده است و سپس کفعمی مجدداً آن را مختصر نموده است (نک به: همان، ج ۱۲، ص ۲۱).

۴۲-۴-۲. اختصار علل الشرایع شیخ صدوق.

۴۳-۴-۲. اختصار کتاب غریب القرآن محمد بن عزیز سجستانی (د ۳۳۰ق).

۴۴-۴-۲. اختصار الغریبین ابوعبید هروی (د ۴۰۱ق).

۴۵-۴-۲. اختصار کتاب «القواعد و الفوائد» شهید اول محمد بن مکی العاملی (د ۷۸۶ق).

۴۶-۲. إختصار لسان المحاضر و الندیم: سیدحسن صدر از این کتاب با نام «إختصار لسان الحاضر و الندیم» یاد می‌کند (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۷۸). اصل کتاب، نوشته شیخ علی بن محمد بن یوسف بن ثابت است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱، ص ۳۵۷).

۴۷-۲. إختصار المجازات النبویة: کتاب المجازات النبویة نوشته شریف رضی (د ۴۰۶ق) است.

۴۸-۲. إختصار مغرب اللغة مطرزی در گذشته به سال ۶۱۰ قمری (همان، ج ۱، ص ۳۵۸).

۴۹-۲. إختصار نزهة الألباء: این کتاب در طبقات ادباء و تألیف ابن الأبناری (د ۵۷۷ق) است (همان، ج ۲۰، ص ۲۱۵).

۳. انتساب کتاب صفوة الصفات

همه کتابشناسان و فهرست‌نویسان، وجود این کتاب را برای کفعمی تأیید کرده‌اند و آغاز و انجامی که برای کتاب کفعمی بیان شده است، با نسخه‌های موجود آن مطابقت دارد (نک به: آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱۵، ص ۵۰)؛ کسی هم درباره صحّت انتساب آن تردید نکرده است؛ لذا تردیدی باقی نمی‌ماند که اولاً کفعمی صاحب کتابی به نام صفوة الصفات بوده است و ثانیاً نسخه‌های خطی موجود، نسخه‌های همان کتاب است. صفوة الصفات با اینکه نوشته کفعمی است، عباراتی همچون «قال الكفعمی» یا «کتاب فلان للكفعمی» در آن یافت می‌شود (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۳۵۵ و ۴۳۴). این عبارات در نگاه اول نشان می‌دهد این کتاب متعلق به نویسندگانی پس از کفعمی است که از وی نقل کرده است؛ اما باید دانست وجود چنین عباراتی بی‌سابقه نیست و در سایر آثار کفعمی که قطعاً از آن اوست، آثار مؤلفان دیگر نیز دیده می‌شود؛ برای نمونه عبارت «قال الكفعمی» در کتاب مصباح کفعمی به کار رفته است (کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱۴)؛ همچنین در این کتاب، بارها عبارت «للكفعمی» به چشم می‌خورد (ر.ک به: همان، صص ۲۲۳، ۳۱۷ و ۷۵۱). در کتاب محاسبة النفس کفعمی نیز یک‌بار این عبارت به کار رفته است (کفعمی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۷).

این نوع عبارات در آثار دیگر مؤلفان سده‌های میانه نیز دیده می‌شود. در آثار ابن طاووس بارها عباراتی مشابه وجود دارد؛ به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند نویسنده در حال نقل کردن از ابن طاووس است.

عبارت مشهوری همچون: «يقول السيد الامام... رضی‌الدین جمال العارفین... علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس»، در بسیاری از آثار ابن طاووس همچون *اقبال الأعمال* (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، «الف»، ج ۱، ص ۱۵۵)، *الدروع الواقیة* (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، «ب»، ص ۳۱)، *جمال الأسبوع* (ابن طاووس، ۱۳۱۷، ص ۲۱)، *كشف المحجة* (ابن طاووس، ۱۹۵۰م، ص ۲۰) و *فلاح السائل* (ابن طاووس، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۴) دیده می‌شود؛ اما نکته مهمی که در کتاب *صفوة الصفات* بدان تصریح شده و انتساب کتاب را به کفعمی قطعی می‌نماید، عبارتی است که در آن، نویسنده، آثار کفعمی را صراحتاً به خود نسبت می‌دهد. این عبارت چنین است: «واعلم ان الروایات فی الاسم الاعظم لاتکاد تنحصر فی کتاب مصنف و لامجموع مؤلف غیر أنا ذکرنا فی کتابنا حیاة الارواح و مشکاة المصباح منها ما سنح فی کتاب الجنة الواقیة والجنة الباقیة عشرين قولاً و کذا فی هذه الرسالة و ذکرنا فی کتاب البلد الامین و الدرع الحصین اقوالاً» (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۵۱).

نویسنده در عبارت فوق، سه کتاب *حیاة الارواح*، *البلد الامین* و *صفوة الصفات* را صراحتاً به خود منتسب می‌کند. روشن است که مؤلف این کتاب‌ها بی‌تردید کفعمی است. نویسنده در موضع دیگری از کتاب می‌گوید: «ذکرنا فی کتابنا المترجم بالفوائد الشریفة فی شرح الصحيفة» (همان، ص ۴۸۸) و یا با عبارت: «ذکرناها فی شرح الأسماء الحسنی» (همان، ص ۳۴۸) کتاب *شرح الأسماء* را به خود نسبت می‌دهد - که وصف آن گذشت.

از آنچه گفته شد تردیدی باقی نمی‌ماند که کتاب *صفوة الصفات* تألیف کفعمی است. بررسی این نوع عبارت‌نویسی در آثار کفعمی و سایر علمای اسلامی سده‌های میانه، به پژوهش مستقلی نیاز دارد، اما محتمل است که این‌گونه عبارات توسط شاگردانی که کتاب را از مؤلف آن شنیده‌اند و یا از طریق دیگری، از طرق تحمّل حدیث آموخته‌اند، وارد نسخه شده باشد.

۴. نسخه‌های *صفوة الصفات*

از کتاب *صفوة الصفات* نسخه‌های خطی متعددی در دست نیست. نسخه‌های خطی‌ای که از این کتاب یافته شده، از قرار زیر است:

۴-۱. نسخه کتابخانه ملی ملک: شماره ۱۷۲۷، ۱۹۵ صفحه؛ تاریخ کتابت: ۱۳۲۸ق (افشار، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۳۵۱).

۴-۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی: شماره ۱۲۴۵۹؛ ۲۱۱ صفحه، کاتب: محمدامین بن حسنعلی تبریزی (صدرایی خوئی، ۱۳۷۶، ج ۳۰، ص ۴۱۱).

۴-۳. نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی: شماره ۲۷۸۷؛ کاتب: تاج‌الدین حسین صاعد، ۱۶۵ برگ، تاریخ کتابت: ۹۹۲ق (حسینی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۳۵۰).

۴-۴. نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی: شماره ۳۹۱۷، ۱۴۱ برگ، تاریخ کتابت: ۱۳۸۳ق (همان، ج ۱۰، ص ۲۹۶).

۴-۵. نسخه کتابخانه آیت‌الله استادی: کتابت سده چهاردهم هجری (استادی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۲۶).

۴-۶. نسخه کتابخانه روضاتی در اصفهان: کاتب: سیدمحمد موسوی خوانساری، کتابت: ۱۲۸۳ق (دهکردی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۵).

۴-۷. نسخه کتابخانه آیت‌الله حکیم در نجف، شماره: ۱۸۵ (افشار، ۱۳۴۶، ج ۵، ص ۴۲۷).

۵. ضرورت بازشناسی کتاب «صفوة الصفات» کفعمی

۵-۱. جایگاه مصدري کتاب صفوة الصفات و ساير آثار کفعمی

به رغم آنکه عصر کفعمی از دورهٔ مصادر اولیّه شیعه فاصله‌ای طولانی دارد، آثار وی به تدریج به عنوان مصادر مهمّ بسیاری از کتب متأخّر امامیه، به‌ویژه مباحث دعا و زیارت شناخته شده است؛ شاید علّت آن را بتوان در دسترسی کفعمی به برخی منابع کهن - که حتی پس از دو قرن علامه مجلسی نیز در اختیار نداشته است - جستجو کرد. کفعمی از معدود مؤلفان امامی قرن نهم و دهم هجری است که آثار او در شمار مصادر بحارالانوار قرار گرفته است.

علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار آثار کفعمی را در بین منابع کتاب خویش ذکر می‌کند که یکی از آنها کتاب مورد بحث است (مجلسی، ۱۴۴ق، ج ۱، ص ۱۷)؛ سپس در بخش توثیق مصادر، هنگامی که به کفعمی می‌رسد، می‌گوید: «شهرت کفعمی و آثار وی، ما را از توثیق او و آثارش بی‌نیاز می‌کند» (همان، ص ۳۴).

مجلسی بیشتر شرح خود بر دعای سمات را از کفعمی گرفته است (رک به: همان، ج ۸۷، ص ۱۰۱-۱۲۶). وی در موارد دیگری همچون بیان معنای «لیل» و «نهار» (همان، ج ۸۰، ص ۸۱) و معنای اسم اعظم، از این کتاب بهره برده است (همان، ج ۹۰، ص ۲۳۰-۲۳۱).

از جمله ویژگی‌های دیگر این کتاب، مباحث منحصر به فردی است که در آن یافت می‌شود. علّت این ویژگی را می‌توان در نابودی برخی منابع این کتاب دانست. از این‌رو این اثر به منبعی اصیل برای آثار پس از خود تبدیل شده است. مطالب ویژه این کتاب به دو بخش قابل تقسیم است: نخست، مطالبی که مربوط به دعای سمات است و بخش دیگر مطالبی است که ارتباطی مستقیم با دعای سمات ندارد، اما در میان و میانه شرح مطرح شده است.

دامنه نکات پیرامونی که کفعمی در خلال شرح مطرح می‌کند، به برخی مباحث جغرافیایی، مکان‌شناسی و تاریخی نیز تعمیم یافته است (رک به: ادامه مقاله). این اثر همچنین می‌تواند منبعی مفید برای تحقیقات نامشناسی مرتبط با برخی مظاهر فرهنگی قوم یهود باشد؛ زیرا کفعمی نام شخصیت‌ها و مکان‌های فراوانی را در شرح دعای سمات، مورد بحث و ریشه‌یابی قرار داده است (رک به: ادامه مقاله).

۵-۲. جایگاه صفوة الصفات به عنوان کهن‌ترین شرح دعای سمات

کسی که این دعا را می‌خواند، پروردگارش را به اسمای مقدس الهی - که با آنها بر پیامبران بزرگ ظهور کرده - می‌خواند. در متن دعا، گاه نامی از یک مکان به همراه نام پیامبری آورده شده که نیاز به توضیح و شرح دارد. بر این اساس، بسیاری از اندیشمندان شیعی اقدام به شرح این دعا کرده‌اند. نخستین فرد از ایشان که الفاظ دعا را - نه در قالب یک اثر مستقل - شرح کرده است، سید بن طاووس است. وی پس از نقل دعا در پایان کتاب **جمال الأسبوع** برخی الفاظ مشکل آن، همچون «جبل حوریت»، «بحر سوف»، «جبل فاران» و «ساعیر» را شرح کرده است (ابن طاووس، ۱۳۷۱، ص ۳۲۱).

پس از وی، کهن‌ترین شرح دعای سمات که در قالب یک اثر مستقل نگاشته شده، کتاب **صفوة الصفات** کفعمی است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از نسخه‌های این کتاب، تألیف **صفوة الصفات** در سال ۸۷۵ قمری پایان یافته است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۵۳۳).

پس از کفعمی، علامه مجلسی (د ۱۱۱۱ق) دو شرح بر دعای سمات نگاشته است که یکی از آنها در کتاب دعای بحارالانوار، ذیل دعای سمات آمده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۷، ص ۱۰۱-۱۲۶). اثر دیگر وی نیز شرحی مستقل بر دعای سمات است که گرچه محدث نوری (د ۱۳۲۰ق) در شرح حال تفصیلی مجلسی، از آن با عنوان

ترجمه دعای سمات یاد کرده است (نوری، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۸)، اما آقابزرگ تهرانی معتقد است این اثر، ترجمه‌ای به همراه شرح است و وی آن را در نجف دیده است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱۳، ص، ۲۴۹).

مولی محمد صالح قزوینی، مشهور به روغنی نیز در قرن یازدهم هجری، از دیگر شارحان دعای سمات است (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰).

سیدمحمدجعفر طباطبایی شولستانی در سال ۱۱۱۳ق، شرحی بر دعای سمات نگاشت که به گزارش آقابزرگ، این اثر در کتابخانه سیدحسن صدر در کاظمین موجود است (همان، ص ۲۴۹).

در همین دوره، مولی عبدالواسع تونی که از معاصران مجلسی است، شرحی با عنوان «وسيلة النجاة فی شرح دعاء السمات» نگاشت. وی کتاب خود را به سه بخش تقسیم کرد و بخش اول آن را به آداب دعا اختصاص داد (همان، ج ۲۵، ص ۹۰). سپس سیدعبدالله شبّر کاظمینی (د ۱۲۴۲ق) مشهور به «مجلسی ثانی» در قرن سیزدهم شرحی بر دعای سمات با نام «کشف الحجاب للدعاء المستجاب» نگاشت (همان، ج ۱۸، ص ۲۵) و پس از او، آقامحمدجعفر بن آقامحمدعلی بن آقامحمدباقر بهبهانی (د ۱۲۵۴ق)، یکی از فواید کتاب *أنیس الطلاب* خود را به شرح دعای سمات اختصاص داد (همان، ج ۲، ص ۴۶۰).

سیدکاظم رشتی (د ۱۲۵۹ق) شاگرد مشهور شیخ‌احمد احسایی (د ۱۲۴۱ق) نیز به سال ۱۲۳۸ قمری، شرحی بر دعای سمات نگاشت (همان، ج ۱۵، ص ۳۵۱). شرح سیدکاظم رشتی که اثرپذیری آن از آموزه‌های رمز‌آلود استادش شیخ‌احمد احسایی کاملاً نمایان است، اخیراً توسط مؤسسه العروة الوثقی در لبنان چاپ شده است.

پس از وی آغا محمود بن آغا محمدعلی کرمانشاهی (د ۱۲۷۱ق) پسر وحید بهبهانی به سال ۱۲۶۰ قمری شرحی بر دعای سمات به نام *مفتاح النجاة* نگاشت

همان، ج ۱۵، ص ۳۵۱/ همان، ج ۲۱، ص ۳۵۵). به فاصله یک سال، مولی حسن بن محمد باقر قره‌باغی نیز به سال ۱۲۶۱ق شرحی بر دعای سمات نوشت (همان، ج ۱۳، ص ۲۴۹). در همان قرن، مولی درویش علی بن حسین بن علی بن محمد بغدادی (د ۱۲۷۷ق) شرحی ناتمام بر دعای سمات نگاشت که تنها تا عبارت «وجعلت رؤیتها لجميع الناس مرأی واحدا» را در بر دارد (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰).

همچنین آفاسید محمد مهدی بن جعفر موسوی تنکابنی در نیمه اول قرن سیزدهم کتاب *خلاصة الدعوات فی شرح دعاء السمات* را تألیف کرد (همان، ج ۷، ص ۲۲۷). شیخ هلال‌الدین إسماعیل خوئی، نخستین کسی است که در قرن چهاردهم در سال ۱۳۱۳ قمری، دعای سمات را شرح کرد (همان، ج ۱۵، ص ۳۵۱). پس از وی مولی علی بن عبدالله العلیاری تبریزی (د ۱۳۲۷ق) و میرزا محمدعلی بن مولی نصیرالدین چهاردهی رشتی (د ۱۳۳۴ق) هر کدام شرحی بر دعای سمات نگاشتند (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰-۲۵۱).

سپس آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی به سال ۱۳۴۹ق شرح مشهور خود بر دعای سمات به نام *لمعات* را تألیف کرد (همان، ج ۱۸، ص ۳۴۶). این شرح جامعیت خاصی دارد و اخیراً بوستان کتاب قم آن را منتشر کرده است. تقریباً همزمان با دهکردی، شیخ محمد ابراهیم بن مولی عبدالوهاب سبزواری اسراری نیز به سال ۱۳۵۰ق شرحی بر دعای سمات نوشت (همان، ج ۱۳، ص ۲۴۹).

در نیمه دوم سده چهاردهم آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبایی (د ۱۳۶۶ق) عارف و سالک شیعی مشهور، شرحی مختصر بر دعای سمات نگاشت. این اثر اخیراً توسط مؤسسه فرهنگی شمس‌الشموس منتشر شده است.

در همین دوره، حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی (د ۱۳۶۹ق) خطیب مشهور مشهد و شاگرد محدث نوری، شرحی فارسی بر دعای سمات نگاشت و نام آن را «وسيلة النجاة» یا «عناوین الجمععات فی شرح دعاء السمات» گذاشت. این شرح شامل ۴۸

جمعه به تعداد جمعه‌های سال است، ولی کتاب تنها تا عنوان خامس یعنی عبارت «و بمشیتک التی دان لها العالمون» را در بر دارد و مؤلف موقّق به اتمام آن نشده است (همان، ج ۱۵، ص ۳۵۱). این شرح همانند دیگر آثار مرحوم نهاوندی، همچون خزینة الجواهر به سبک واعظانه نگاشته شده است و در پژوهش و جستجوگری اقوال، مانند دیگر آثار وی کم‌نظیر است.

در همین دوره، یعنی نیمهٔ دوم سده چهاردهم هجری، دیگر شرح مشهور دعای سمات، یعنی کتاب *روائح النسمات فی شرح دعاء السمات* توسط آیت‌الله سیدحسن میرجهانی جرقوئی اصفهانی (د ۱۳۸۸ق) به رشتهٔ تحریر درآمد و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۴ هجری به چاپ رسید. این اثر نیز مانند سایر آثار میرجهانی به خط خود وی چاپ شده است. در این شرح، مؤلف پس از ارائهٔ متن و ترجمه دعا و آوردن چهار مقدمه، دعا را شرح کرده است (همان، ج ۱۱، ص ۲۵۵ و ج ۱۳، ص ۲۴۹). این کتاب حاکی از نفوذ کلام و قدرت تتبع بالای میرجهانی است؛ از این رو در میان مشهورترین شروح دعای سمات جای گرفته است. از ویژگی‌های این کتاب، استفاده از کتب یهود به‌ویژه تورات برای تطبیق و شرح مطالب موجود در دعاست (ر.ک به: میرجهانی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۵).

بیشتر کسانی که پس از کفعمی شرحی بر دعای سمات نوشته‌اند، از کتاب او به طور مستقیم یا غیرمستقیم با ذکر منبع و یا بدون آن استفاده کرده‌اند. شیخ‌علی‌اکبر نهاوندی اکثر اقوالی را که در معنای اسم اعظم ذکر می‌کند، از *صفوة الصفات* گرفته است و یا دست کم از منابعی استفاده کرده که آنها از کفعمی اخذ کرده‌اند (نهاوندی، ۱۳۷۸، ص ۹۳-۹۵). سیدحسن میرجهانی، از *صفوة الصفات* کفعمی، در مواردی از جمله بیان فضیلت و سند دعای سمات بهره جسته است و ماجرای «عمالقه» را که منبع اصلی آن *صفوة الصفات* کفعمی است، از این کتاب نقل کرده است (میرجهانی، ۱۳۷۰، ص ۵۱).

سید کاظم رشتی نیز در ابتدای شرح دعای سمات خویش، روایات فضیلت دعای سمات را از *صفوة الصفات* کفعمی نقل می‌کند (رشتی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۱)؛ همچنین علامه مجلسی در شرح تفصیلی خود بر دعای سمات در کتاب *بحار الانوار*، بسیاری از مطالبش را از *صفوة الصفات* کفعمی اخذ می‌کند و به وی ارجاع می‌دهد (ر.ک به: مجلسی، ۱۴۴ق، ج ۸۷، ص ۱۰۱-۱۲۶). سید ابوالقاسم دهکردی نیز در شرح دعای سمات، بارها از کتاب کفعمی بهره برده است و محقق کتاب موارد آن را در پاورقی‌های چاپ تحقیقی کتاب مشخص کرده است (ر.ک به: دهکردی: سراسر کتاب).

۶. واکاوی کتاب «صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات»

۶-۱. پیش‌زمینه‌ها و انگیزه تألیف کتاب

از عبارات مقدمه کتاب برمی‌آید که کفعمی این کتاب را بنا به درخواست یکی از فقها و علمای بزرگ دوران خود که نزد مؤلف جایگاه والایی داشته، نگاشته است؛ زیرا او را به شدت می‌ستاید و از وی با عنوان «زین‌الحق و الدین»، «فقیه الخلق قاطبه» و «نجل الحسام» یاد می‌کند و این شرح را به او تقدیم می‌کند؛ ولی به صراحت از او نام نمی‌برد (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۱-۳۴۳).

بر اساس اطلاعات موجود، این فقیه لقبش «زین‌الدین» و نام پدرش «حسام» است و یکی از فقهای همعصر کفعمی است که در جبل عامل لبنان می‌زیسته است. با کنار هم نهادن این اطلاعات، به این نتیجه می‌رسیم که این فقیه، یا شیخ زین‌الدین علی بن حسام عاملی عینائی (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۱) و یا برادرش شیخ زین‌الدین جعفر بن حسام عاملی عینائی (همان، ص ۱۱۹) است؛ ولی با توجه به اینکه زین‌الدین جعفر در اجازات مشهورتر است و از او با عنوان شیخ الاعظم الاعلم (مجلسی، ۱۴۴ق، ج ۱۰۷، ص ۶۹) یا الشیخ الفاضل الکامل (همان، ص ۸۶) یاد شده است و در برخی موارد فقط «شیخ زین‌الدین بن حسام» بدون ذکر نام «جعفر»، بیان شده است (همان، ج ۱۰۵، ص ۵۳)، به نظر می‌رسد شخصی که کفعمی به صراحت از او نام نمی‌برد، همان شیخ زین‌الدین جعفر باشد.

بر اساس گزارش‌های موجود، شیخ حسین بن زین‌الدین علی برادرزاده شیخ زین‌الدین جعفر، به یکی از شاگردانش به سال ۸۷۳ق اجازه روایت داده است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱، ص ۱۸۷). اگر فرض کنیم این اجازه در میانسالی وی صادر شده باشد و فاصله هر نسل را حدود ۲۵ سال در نظر بگیریم، عموی شیخ حسین، یعنی شیخ زین‌الدین جعفر در هنگام صدور این اجازه - که همزمان با تألیف *صفوة الصفات* است - ۷۰ تا ۸۰ ساله بوده است.

گرچه کفعمی این شرح را به درخواست شیخ زین‌الدین جعفر تألیف کرده است، اما انگیزه اصلی خود از تألیف کتاب را پرده‌برداری از معانی واژگان و اشارات پنهان دعای سمات می‌داند (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۲).

از جمله نکات مهمی که می‌تواند در نوع شرح و تمرکز شارح بر مباحث خاص، اثرگذار باشد، توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی کفعمی است. وی در فضایی زندگی می‌کرده که برخی عقاید در مورد جهان هستی و علوم مختلف تجربی، از جمله ستاره‌شناسی، جغرافیا و... رایج بوده است. این علوم و عقاید، در جایگاه یکی از پیش‌زمینه‌های ذهنی کفعمی، بر شرح او اثرگذار بوده است.

وی با تکیه بر عقیده به «عناصر اربعه» (آب، خاک، آتش و باد) و مرکزیت زمین، دعا را شرح می‌کند و «العمق الاکبر» را عنصر خاکی، «البحار و الأنهار» را عنصر آبی، «الرياح» را عنصر بادی و «النيران» را اشاره به عنصر آتش می‌داند (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۴۶۸). البته این پرسش قابل طرح است که چرا کفعمی با وجود آنکه لفظ «الجبال» نیز در میان این اصطلاحات ذکر شده است جایگاهی برای آن در این تقسیم‌بندی در نظر نگرفته است.

کفعمی، هرگاه به فقراتی از دعا می‌رسد که کوچک‌ترین اشاره‌ای به مباحث یا واژه‌های جغرافیایی یا علمی دارند، بحث گسترده و مفصّلی مطرح می‌نماید و از علوم عصر خود برای شرح استفاده می‌کند؛ مثلاً به مناسبت آمدن ذکری از دریاها در دعای سمات، شروع به ارائه اطلاعات مفصّلی درباره دریاها و وضعیت جغرافیایی آنها نموده است و حتی توضیح داده که دریای خزر به هیچ دریای دیگری راه ندارد (همان، ص ۴۵-۴۵).

از نکات دیگری که می‌تواند پیش‌زمینه‌های ذهنی یک نویسنده تلقی شود، اثرپذیری او از سایر مؤلفان و شخصیت‌هاست. در متن کتاب *صفوة الصفات* بیشترین ارجاعات مربوط به آثار طبرسی و جوهری است. اثرپذیری کفعمی از امین‌الاسلام طبرسی (د ۵۴۸ق) به‌ویژه از تفسیر *جوامع الجامع* وی، موضوعی است که در سراسر این شرح هویداست (ر.ک به: همان، صص ۳۴۸، ۴۷۶، ۴۵ و ۴۹۰). همچنین به نظر می‌رسد *صفوة الصفات* در مباحث ادبی و واژه‌شناسی، بیشترین اثر را از اسماعیل بن حماد جوهری (د ۳۹۳ق) پذیرفته است (ر.ک به: همان، صص ۳۷، ۴۰۶، ۴۲۸ و ۵۱۹).

۲-۶. روند کتاب و بخش‌های آن

کفعمی در مقدمه این اثر، به‌صراحت کتاب خود را «*صفوة الصفات* فی شرح دعاء السمات» نامگذاری می‌کند (همان، ص ۳۴) و به این ترتیب، بی‌اعتبار بودن نام‌های دیگری که برای این کتاب مطرح شده، همچون «*سقط الصفات*» (امین، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۱۸۶) و «*صفو الصفات*» (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۷۷) را نشان می‌دهد.

کفعمی *صفوة الصفات* را به دو بخش مقدمه و قطب تقسیم کرده است. مقدمه کوتاه آن، از دو بخش «روایت دعای سمات» و «فضیلت آن» و یک تتمه در معنای لفظ «سمات» تشکیل شده است. در بخش «روایت دعای سمات»، وی بحث سندی و توثیق سند دعای سمات را مطرح کرده است.

در بخش «فضیلت دعای سمات» نیز به روایاتی دربارهٔ فضیلت، خواص و زمان قرائت این دعا پرداخته است. معنای لفظ سمات و نام دیگر آن «شُبُور»، از جمله توضیحات دیگری است که در بخش تتمهٔ مقدمه کتاب مطرح شده است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۳-۳۴۶).

پس از مقدمه، قطب یا همان متن اصلی کتاب آغاز می‌شود. شیوهٔ کار چنین است که ابتدا کفعمی عبارتی از دعا را نقل می‌کند، سپس شرح می‌دهد. وی غالباً دیدگاه‌های خود را با عبارت «قال الکفعمی» - که توضیح آن گذشت - آغاز می‌کند، سپس با استفاده از ارجاع به کتب و اقوال دیگران، بخش گسترده‌ای از شرح عبارات را فراهم می‌آورد.

۶-۳. نگاهی به روش کفعمی در کتاب

۶-۳-۱. قرآن، معیاری برای شرح و فهم متن دعا: کفعمی برای توضیح معنای یک واژه، تعداد فراوانی از آیات هم‌ریشه را بیان می‌کند. این امر نشانگر توجه فوق‌العاده او به قرآن کریم و اصالت کاربرد قرآنی یک ریشه، در فهم واژگان هم‌ریشه آن در حدیث و ادعیه نزد وی می‌باشد؛ از این رو وی بحثی زیر عنوان «تبعیت لفظی دعا از قرآن» مطرح می‌کند و به تحلیل چرایی کاربرد یک ریشه در دعای سمات می‌پردازد؛ برای نمونه در توضیح اینکه چرا در عبارت «و خَشَعَتِ لَهُ الْأَصْوَاتُ» از لفظ «خَشَعَتِ» و نه «خَضَعَتِ» - با وجود عدم تفاوت معنایی چشمگیر - استفاده شده، تبعیت لفظی از قرآن را به عنوان دلیل ذکر می‌نماید (همان، ص ۳۷)؛ زیرا این فقره از دعا، با این آیه از قرآن هماهنگ است: «... وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا» (طه: ۱۰۸).

در موضعی دیگر، ذیل عبارت «و جعلت لها مشارق و مغارب»، علت تقدّم «مشارق» بر «مغارب» را پیروی از لفظ قرآن در آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ...» (معارج: ۴۰) ذکر می‌کند (همان، ص ۳۹۹).

کفعمی در بخش دیگری از صفوة الصفات در تبیین معنای واژه «فرقت» در عبارت «و يوم فرقت لبنى اسرائيل البحر»، به طور گسترده از آیاتی که در آنها ریشه فرق به کار رفته است، بهره می‌جوید (همان، ص ۴۲۴).

گرچه می‌توان شکل تکامل یافته‌تر این نوع نگاه به ادعیه را با رویکرد انتقادی در برخی محققان معاصر، همچون محمدتقی شوشتری (د ۱۴۱۵ق) دید (شوشتری، ۱۳۹۰ق، ص ۲۴۸)، اما کاربرد آن توسط کفعمی در حدود پانصد سال پیش، بسیار قابل توجه است.

۲-۳-۶. توجه به تفاوت نسخه‌ها: عبارات کفعمی در این کتاب، نشان می‌دهد وی به ضبط متفاوت عبارات دعا در نسخه‌های مختلف، توجه بسیاری دارد. کفعمی در شرح خود، به موارد اختلافی همچون «دان لها العالمون» و «کان لها العالمون» (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۷۸)، «مواکبه» و «مراکبه» (همان، ص ۴۲۸)، «بئر شیع» و «بئر سبع» (همان، ص ۴۲۹) و «قبة الزمان» و «قبة الرمان» (همان، صص ۴۳۶ و ۴۳۹) پرداخته است.

کفعمی حتی هنگامی که به بحثی استطرادی پرداخته است، به تفاوت ضبط عبارت «و بهم الصافین» در دعای ماه رجب در نسخ مختلف مصباح و نسخه ابن السکون اشاره می‌کند و درباره اثر معنایی آن توضیح می‌دهد (همان، ص ۳۶۸-۳۶۹).

۳-۳-۶. توسعه روش‌های واژه‌شناسی در شرح: کفعمی برای توضیح معنای واژگان دعای سمات، بیش از همه از دیدگاه‌های جوهری (همان، صص ۳۷، ۴۰۶، ۴۲۸ و ۵۱۹) بهره برده است. علاوه بر استشهاد به آیات، استفاده از روایات برای توضیح معانی واژگان دعا، از دیگر روش‌های وی برای واژه‌شناسی است. کفعمی برای توضیح یک واژه، آیات متعددی از قرآن و برخی از روایاتی که واژه‌های هم‌ریشه با آن واژه دعا را

دارند، ذکر کرده است و معنای آن در آن آیه یا روایت را بیان کرده است؛ برای مثال در توضیح معنای «فرقت» در عبارت «و یوم فرقت لبنی اسرائیل البحر» ابتدا نظر سه واژه‌شناس - جوهری، مطرزی و ازهری - را ذکر می‌کند و در ادامه این روایت نبوی «البیان بالخیار ما لم یتفرقا» را بیان نموده، در مرحله سوم، آیات متعددی از قرآن را که ریشه «فرق» در آنها به کار رفته است، بررسی می‌کند؛ برای نمونه، وی در این بحث چنین آیاتی را بررسی کرده است: «فیها یُفرقُ کُلُّ امرٍ حکیم» (دخان: ۴)، «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ...» (اسراء: ۱۰۶)، «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ...» (انعام: ۱۵۹)، «... إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» (انفال: ۲۹)، «... يَوْمَ الْفُرْقَانِ...» (انفال: ۴۱)، «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ...» (انبیاء: ۴۸)، «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ...» (بقره: ۵۰)، «... كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» (شعراء: ۶۳) (همان، ص ۴۳ - ۴۴). بدین ترتیب مشخص می‌شود توضیحات لغوی کفعمی، می‌تواند در پربارتر شدن واژه‌شناسی آیات و غریب‌القرآن نیز به کار آید.

کفعمی در برخی موارد نیز برای روشن‌ساختن معانی واژگان دعا، از اشعار شاعران عرب و اشعار خود استفاده کرده است (ر.ک به: همان، ص ۴۴).

کفعمی گاه به احتمالات مختلف درباره معنی و مصداق یک واژه اشاره می‌کند؛ مثلاً درباره مصادیق «الكلمة التامة» چهار احتمال «اسم اعظم، امامت، قرآن و آل محمد ﷺ» را مطرح می‌کند (همان، ص ۳۳).

یکی از تخصص‌های کفعمی، علم فروق اللغات است و حتی کتابی با نام *لمع البرق فی معرفة الفرق* - همچنان که آمده - داشته است. در تلاش‌های کفعمی برای کشف معانی واژگان، رگه‌هایی از علم فروق اللغات نیز هویداست. برای نمونه، وی در بخشی از کتاب خود، به بیان تفاوت «سخی» و «کریم» پرداخته است (همان، ص ۳۷).

از جمله تلاش‌های شارح برای روشن کردن معانی واژگان، استفاده از معانی برخی کلمات در زبان‌های غیرعربی، مانند عبری و سریانی است. اهمیت این مسئله زمانی روشن می‌شود که بدانیم بخش مهمی از دعای سمات به اصطلاحات دینی و مکانی

فرهنگ یهود اختصاص دارد؛ از جمله این موارد، می‌توان به توضیحات کفعمی درباره معنای «بحر سوف» (همان، ص ۴۵)، «بیت ایل» (همان، ص ۴۲۹)، «ابراهیم» (همان، ص ۴۳) «موسی» (همان، ص ۴۸۷) و «عیسی» (همان، ص ۴۸۹) اشاره کرد.

در برخی موارد، کفعمی تنها به نقل صرف معانی واژه‌شناسان اکتفا نکرده است، بلکه با برداشتن یک گام دیگر، به نقد دیدگاه‌های آنان پرداخته است. وی در نقد نظری درباره معنای «العمق الاکبر» که «عمق» را به «ملک» معنا کرده است به عدم کاربرد این معنا در لغت و عرف اشاره کرده، آن را نمی‌پذیرد (همان، ص ۴۵). گاه نیز در توضیحات واژه‌شناسانه خود، به بحث‌های استطرادی کشیده می‌شود و اندکی از بحث اصلی فاصله می‌گیرد (ر. ک به: همان، ص ۳۶۸-۳۶۹).

۳-۶. استفاده گسترده از علوم بلاغی و ادبی: کفعمی در شرح خود، از علوم مختلف ادبی، اعم از صرف، نحو و بدیع استفاده نموده، گاه به دلیل علاقه شخصی به این علوم، به توضیحات گسترده‌ای نیز پرداخته است؛ همچنین از علمای بزرگ این علوم، مانند سیبویه، فراء و... نیز نقل قول کرده است.

از نمونه بحث‌های صرفی وی، می‌توان به توضیحات او درباره فخره «فَعَّالٌ لَمَّا يَرِيْدُ» در دعای سمات اشاره کرد (همان، ص ۵۲۹-۵۳). از جمله بحث‌های نحوی وی، توضیحات او درباره عبارت «أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ» است (همان، ص ۵۲) که در چند صفحه به بحث نحوی گسترده‌ای درباره «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» تبدیل شده است (همان، ص ۵۲۶-۵۲۷).

علم بلاغت و به‌ویژه علم بدیع، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سه‌گانه آن، می‌تواند برای کشف و توضیح زیبایی‌های عبارات دعای سمات به کار آید. کفعمی نیز به‌خوبی با این علم آشناست. وی در شرح این دعا، در برخی موارد ابتدا صنعت ادبی به کار رفته را تعریف می‌کند و سپس کاربرد آن در قرآن، اشعار و عبارات دعای سمات را نشان می‌دهد. برخی از این صنایع بلاغی که به آنها اشاره کرده، عبارتند از:

مناسبت لفظی (همان، ص ۳۵)، مطابقت (همان، ص ۳۵)، کشح (همان، ص ۳۵)، ائتلاف اللفظ (همان)، بسط یا اطناب (همان، ص ۳۵۶)، تکرار (همان)، اشاره (همان، ص ۳۵۷)، انسجام (همان)، ابداع (همان)، تقسیم (همان، ص ۳۹۷) و ترتیب (همان، ص ۴۶۶).

در برخی موارد، گسترده‌کردن بحث‌های بلاغی بسیار در خور توجه است. وی در قسمتی از کتاب، وقتی از بیان صنایع بلاغی به کار رفته در عبارات دعا فارغ می‌شود، شرح دعا را قطع می‌کند و پس از بیان یکی از ابیات شعری خود، به طور مفصل صنایع بلاغی آن را - که بیست آرایه و صنعت در علم بدیع است - توضیح می‌دهد (همان، ص ۳۶۶-۳۵۸).

نقد دیدگاه‌های ادبی دیگران نیز به میزان محدودی در شرح کفعمی قابل دستیابی است (همان، ص ۵۲۸).

۳-۵-۶. استمداد از متون روایی و تاریخی، در سایه وسعت مشرب کفعمی در توثیق مصادر: کفعمی علاوه بر اینکه از روایات برای کشف (همان، ص ۳۸) و یا تأیید (همان، ص ۴۳) معانی لغوی واژه‌های دعا بهره برده، از محتوای برخی احادیث برای توضیح مفاهیم و اصطلاحات دینی دعا نیز استفاده کرده است. توضیحات و اقوال گسترده‌ای که کفعمی برای بیان مراد «اسم اعظم» ذکر می‌کند، مبتنی بر استفاده از همین روایات است (همان، ص ۳۵۳-۳۵۵).

کفعمی برای بیان فرق رسول و نبی (همان، ص ۴۸۹) و فرق اسلام و ایمان (همان، ص ۵۱۹) از روایات کلینی بهره برده است.

به نظر می‌رسد نوع نگاه ویژه کفعمی به معیارهای اعتبار احادیث و توثیق مصادر، در نوع نقل‌ها و گستردگی منابع او بی‌تأثیر نبوده است. ظاهراً کفعمی در نوع نگاهش به اعتبار روایات، از دیدگاه محدثین اخباری متقدم امامیه (سبحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۶)

متأثر بوده است و علی‌رغم اینکه سیداحمد بن طاووس (د ۶۷۳ق) و علامه حلی (د ۷۲۶ق) در قرن هفتم و هشتم بحث تنویر رباعی حدیث را در حوزه‌های عراق رواج دادند، این نوع نگاه در آثار کفعمی ظهوری ندارد.

کفعمی در بررسی سند دعای سمات، تنها به توثیق طبقه اول روایات اکتفا می‌کند. مؤلف *صفوة الصفات* پس از بیان منابع دعا، همچون مصباح شیخ طوسی، می‌گوید: راویان این دعا عثمان بن سعید و محمد بن عثمان عمری از امام صادق و باقر علیه السلام هستند. وی سپس به توثیق آن دو، با اقوال رجالیان و اینکه وکیل امام حسن عسکری و حضرت حجت علیه السلام بوده‌اند، اکتفا می‌کند (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۳-۳۴۴).

گویا دیدگاه کفعمی آن است که در اعتبار اخبار، معیار شیخ بلاواسطه است که باید ثقه باشد. گرچه این دیدگاه در میان متأخران جایگاه چندانی ندارد، اما به نظر می‌رسد خاستگاه آن سیره و بنای عقلاست که در قبول اخبار به واسطه مستقیم می‌نگرند و ثقه بودن او را ملاک قرار می‌دهند.

بعید نیست اینکه قدمایی همچون نجاشی (د ۵۰ق) نقل باواسطه از ضعاف را عامل قدح نمی‌دانستند، برخاسته از همین دیدگاه باشد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۶). بر اساس این دیدگاه - که نیاز به بررسی بیشتری دارد - مشایخ روایت، تنها از باب کسب اعتبار برای منقولات خود، سلسله اسناد را ذکر می‌کرده‌اند، نه به این سبب که در دیدگاه مخاطب پذیرش آن منقولات، مبتنی بر ذکر سلسله مشایخ بعدی بوده است.

گرچه تتبع یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر کفعمی است، اما به هر حال وسعت مشرب کفعمی در پذیرش احادیث، در گستردگی منابع او و نقل‌های متعدد وی بدون پرداختن به نقدهای سندی، در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

۴-۶. مباحث و دانش‌های پیرامونی در کتاب

چنان‌که گذشت، شارح به اقتضای مباحث، گاه از مباحث اصلی دعا فاصله می‌گیرد و دانش‌ها و اطلاعات پیرامونی را به عنوان تکمیل فایده ذکر می‌کند. بخش‌هایی که وی زیر عنوان «تنبیه»، «فائده» و «فوائد» مطرح کرده است، به همین نوع مطالب اختصاص دارد. کفعمی به اعتراف خود، به این دلیل که «کلام شاخه‌های مختلفی دارد»، بحث‌هایی را شروع کرده و گاه از موضوع اصلی فاصله گرفته است (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۴۴ و ۵۲).

اطلاعات و مطالب پیرامونی قابل دستیابی در این کتاب، چند بخش است:

۴-۱- دیدگاه‌های علوم قرآنی و تفسیری کفعمی: دستیابی به دیدگاه‌های علوم قرآنی و تفسیری کفعمی، می‌تواند به توسعه این علوم کمک کند. امکان استخراج برخی نظریات علوم قرآنی و تفسیری وی، از لابلای متن «صفوة الصفات» وجود دارد؛ برای نمونه می‌توان به تفسیر حروف مقطعه به اسم اعظم، به عنوان یکی از اقوال در این باره (همان، ص ۳۴۸) و نقل قول‌های وی در تفسیر آیه «... مَثَلُ نُورٍ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مُصْبِحٌ الْمُصْبِحُ فِي رُجَاةِ الرَّجَاةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ...» (نور: ۳۵) اشاره کرد (همان، ص ۳۴).

برخی از توضیحات واژه‌شناسی وی، می‌تواند در تفسیر قرآن نیز به کار آید؛ مثلاً وی در بخشی از کتابش نه معنا برای واژه «صلوة» ذکر کرده که برخی از این معانی، مربوط به کاربردهای قرآنی آن است (همان، ص ۵۲-۵۴). چنان‌که ذکر شد، پایه اصلی روش واژه‌شناسی کفعمی، کاربردهای قرآنی است؛ از این رو در خلال بحث‌های واژه‌شناسی او، می‌توان به برخی نکات تفسیری نیز پی برد (ر.ک به: همین مقاله).

کفعمی در کتاب خود به مباحث علوم قرآنی نیز پرداخته است. وی در بخش‌هایی از صفوة الصفات شأن نزول برخی از آیات را ذکر کرده است (همان، صص ۴۹۹، ۵۱ و ۵۰۶-۵۱) که می‌تواند در بررسی نوع نگاه وی به موضوع شأن نزول، به کار آید.

از جمله دیگر مباحث علوم قرآنی این کتاب، می‌توان به بحث معنای محکم و متشابه (همان، ص ۳۸)، قرائت‌های مختلف واژه‌های قرآن (همان، صص ۳۸۸، ۴۵، ۴۳ و ۵۲۱) و وقف در قرائت (همان، ص ۵۱۸) اشاره کرد.

از دیگر مطالب مورد توجه در این اثر، کاربرد روایات در تفسیر قرآن است. کفعمی از روایات در تفسیر و تأویل برخی آیات - که به تناسب، آنها را در این شرح ذکر کرده - استفاده نموده است (همان، ص ۵۲۶)؛ همچنین وی برای تظافر روایات، اعتبار قائل است و از آن در ردّ یک قول تفسیری بهره می‌جوید (همان، ص ۴۳).

۲-۶. طرح مباحثی دربارهٔ اعداد و زمان‌ها: کفعمی در شرح عبارت «و سخرتها بسطان اللیل و سلطان النهار و الساعات و عدد السنین و الحساب»، به تناسب، بحث‌های گوناگونی مطرح می‌کند که از جمله آنها، بحثی دربارهٔ سال و الفاظ مختلف آن، سال شمسی، سال قمری، سال رومی، سال یونانی و... است. وی سپس به مناسبت همین بحث، وارد ماجرای اصحاب کهف و بررسی روایت امیرالمؤمنین علیه السلام در ۳۰۰ / ۳۰۹ سال بودن خواب آنها می‌شود (همان، ص ۴۱ - ۴۱).

از دیگر نکات جالبی که در این شرح مطرح شده، موضعی است که کفعمی در توضیحات خود دربارهٔ حضرت عیسی علیه السلام به تعداد حواریون ایشان که دوازده نفرند، اشاره می‌کند و بحث جالبی دربارهٔ عدد ۱۲ ارائه می‌نماید.

کفعمی می‌گوید: تعداد حروف «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، تعداد منتخبان پیامبر از انصار در لیلۃ العقبة، تعداد نقبای بنی‌اسرائیل، تعداد ائمه معصومین علیهم السلام و تعداد اسباط بنی‌اسرائیل دوازده بوده است و اضافه می‌کند: شب و روز نیز در حالت اعتدال، دوازده ساعت است (همان، ص ۴۳ - ۴۳).

۳-۶. پیامبرشناسی: از جمله بحث‌های جالب توجه کفعمی در *صفوة الصفات*، مباحث مربوط به پیامبرانی است که در دعای سمات، از ایشان نام برده شده است. وی در این شرح، زمانی که به نام یکی از این پیامبران می‌رسد، توضیح و تفسیر آن را به

بخش ذکر الانبیاء (همان، ص ۴۴) در انتهای شرح خود موكول می‌کند و یکجا همه ایشان را توضیح می‌دهد. به این ترتیب، پس از فقره «لیعقوب اسرائیلک فی امة موسی ﷺ» به بحث از انبیای مذکور در این دعا - که هفت نفرند - می‌پردازد. این پیامبران، آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، عیسی و حضرت محمد ﷺ هستند.

روش کار او این چنین است که ابتدا به نامشناسی هر یک می‌پردازد و نام ایشان را ریشه‌یابی و معنایابی می‌کند؛ سپس توضیحات و اطلاعاتی درباره آن پیامبر می‌دهد که بیشتر، از جنس اطلاعات شخصی، خانوادگی و نسلی است و چندان وارد بحث دعوت و هدایتگری ایشان نمی‌شود. از جمله موارد جالبی که کفعمی بدان پرداخته، محل دفن هر یک از پیامبران و تعداد دفعات نزول جبرئیل بر هر کدام است.

نکته دیگر در بحث‌های پیامبرشناسی کفعمی، توضیحات او درباره حضرت محمد ﷺ است که بسیار مفصل‌تر از سایر پیامبران و در قالب چند باب ارائه شده است. در این باب‌ها به نسب، اسماء، کنیه‌ها، القاب، همسران، فرزندان، عموها، مرکب‌ها و وسایل مربوط به آن حضرت می‌پردازد.

۴-۶. ارائه اطلاعاتی درباره فرهنگ عربی و یهودی: از لابلائی توضیحات کفعمی، می‌توان نکات جالبی درباره فرهنگ عربی استخراج کرد؛ برای مثال، وی به تناسب عبارات دعا، به توضیحاتی درباره اسامی مختلف ریح (همان، ص ۴۵۹-۴۶) و انواع نار در فرهنگ عربی (همان، ص ۴۶) پرداخته است که بیان‌کننده کاربرد این دو و جایگاه آنها در فرهنگ و آداب و رسوم عرب است.

برخی مطالب مفید در این شرح نیز به فرهنگ یهود باز می‌گردد. مکان‌هایی که جایگاه مهمی در فرهنگ یهود دارند، از جمله این موارد هستند (ر.ک به: ادامه مقاله).

اصطلاحات خاص دیگری، از جمله تابوت شهادت (همان، ص ۴۱۶-۴۱۸) و آیات تسع موسی (همان، ص ۴۲) نیز در این دعا وجود دارند که مربوط به فرهنگ یهود می‌شوند و درباره آنها شرح داده شده است. از جمله موارد دیگری که به نوعی به

فرهنگ یهود مربوط می‌شوند، نام دریاها و کوه‌ها، از جمله «طور سینا»، «جبل حوریت» (همان، ص ۴۱۸-۴۱۹)، «بحر سوف» (همان، ص ۴۵)، کوه «ساعیر» (همان، ص ۴۷۶) و «جبل فاران» (همان، ص ۴۷۷) است که کفعمی توضیحات جالبی دربارهٔ این موارد ارائه کرده است.

۵-۶. مکان‌شناسی و مباحث جغرافیایی: دعای سمات، انباشته از نام مکان‌های مقدس و غیر آن است که برخی از آنها به فرهنگ یهود نیز مرتبط است.

کفعمی دربارهٔ «الوادی المقدس» توضیحات مفیدی ارائه کرده است (همان، ص ۴۱۸-۴۱۹)؛ همچنین وی اطلاعاتی دربارهٔ مصر، جغرافیای آن، وضعیت آب و هوا و حیوانات آن منطقه داده است. او حتی خاصیت‌های درمانی یکی از جانوران مصر و خواص صمغ یکی از درختان آن منطقه را ذکر کرده است (همان، ص ۴۲ - ۴۲).

«مسجد خیف» (همان، ص ۴۲۸)، «بئر شیع» (همان، ص ۴۲۸-۴۲۹)، «بیت ایل» (همان، ص ۳۳۹) و «قبة الزمان» (همان، ص ۴۳۶) از دیگر مواردی است که کفعمی به ارائهٔ توضیح دربارهٔ آنها پرداخته است.

توضیحات وی دربارهٔ مکان‌شناسی، گاه به جزئیاتی چون بیان طول، عرض و ارتفاع مسجد الاقصی و حجر الصخرة و بیان آداب و رسوم مسیحیان در مورد بیت‌المقدس تعمیم می‌یابد (همان، ص ۴۳۸-۴۳۹).

۶-۶. طبیعت‌شناسی

۱-۶-۶. ستاره‌شناسی

شارح در توضیح عبارت «و خلقت بها الكواكب و جعلتها نجوما و بروجاً و مصابیح و زینة و رجوما و جعلت لها مشارق و مغارب و جعلت لها مطالع و مجاری و جعلت لها فلکا و مسابح و قدرتها فی السماء منازل» که مربوط به ستارگان و آفرینش آنهاست، مباحث جالبی دربارهٔ علم نجوم مطرح کرده است.

جای قرار گرفتن ستارگان، اجرام آسمانی متحرک و ثابت، وجه تسمیه این اجرام، آیاتی از قرآن که به هر کدام از این اجرام اشاره دارد، سرعت حرکت و مدت توقف آنها و توضیحاتی دربارهٔ برج‌های دوازده‌گانه، از جمله بحث‌های وی می‌باشند که از سوی دیگر می‌تواند به عنوان گزارشی از وضعیت یافته‌های علم نجوم در عصر وی، به کار آید (همان، ص ۳۹۹-۴۵).

۲-۶-۶. دریاها و رودها

کفعمی به مناسبت پیشامد ذکری از «البحار و الانهار» در دعای سمات، دریا‌های شناخته‌شده در زمان خود را نام برده، وضعیت جغرافیایی آنها را توضیح می‌دهد (همان، ص ۴۵-۴۵).

مؤلف *صفوة الصفات* همچنین در توضیحات مهم دیگری، مهم‌ترین رودخانه‌های شناخته‌شده در جهان و مسیر حرکت آنها را شرح می‌دهد (همان، ص ۴۵۶). این دست اطلاعات کفعمی و موارد مشابه آن، می‌تواند به سهم خود برای جغرافی‌دانان بااهمیت باشد؛ چراکه وضعیت کمی و کیفی یافته‌های علم جغرافیا در سدهٔ نهم در میان مسلمانان را مشخص می‌کند.

۷. منابع کفعمی

۱-۷. ضرورت شناسایی کتابخانه و منابع کفعمی

چنان‌که گذشت، کفعمی به دلیل در اختیار داشتن برخی منابع کمیاب و کاربرد آن در آثار خود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پس از آنکه در عصر شیخ طوسی کتابخانه کرخ بغداد آتش گرفت (عسکری، ۱۴۱ق، ج ۱، ص ۲۶۲) و بسیاری از اصول اربعمائه امامیه نابود شد، برخی از عالمان شیعی در دوره‌های مختلف به دلیل در اختیار داشتن این اصول، در جایگاه مهمی قرار گرفتند.

پس از ماجرای آتش‌سوزی کتابخانه کرخ تا زمان ابن ادریس، ابن طاووس، شهید اول و کفعمی، برخی از این اصول باقی بود و آنان برخی از آنها را در اختیار داشتند. گفته می‌شود علامه مجلسی، شیخ حرّعاملی و حتی محدّث نوری نیز برخی از این اصول را در اختیار داشته‌اند (میرجلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

به هر حال توجّه به این عالمان شیعی، از زاویه در دست داشتن منابع کهن روایی شیعه، می‌تواند در شناسایی و یا بازسازی منابع از دست رفته امامیه مؤثر باشد. خاورشناسی چون اتان کلبرگ با توجه به اهمیت این موضوع، در این عرصه گام برداشته و در اثری درخور ستایش، زیر عنوان «کتابخانه ابن طاووس»، برای جمع‌آوری و معرفی منابعی که ابن طاووس در اختیار داشته، کوشیده است.

اتان کلبرگ بر این باور است که ابن طاووس نماینده آخرین نسلی است که بیشتر آثار متقدّم شیعه را در اختیار داشته‌اند و از سوی دیگر بیشتر متون شیعی و سنی‌ای که وی به آنها ارجاع داده است، اکنون موجود نیست (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۱۳).

کلبرگ در کتاب خود، فصل جداگانه‌ای به ارتباط کفعمی و ابن طاووس اختصاص داده است و در آنجا تأکید می‌کند: پس از ابن طاووس تا پیش از دوره صفوی، کسی که بیشترین ارجاع را به کتب ابن طاووس داده است، کفعمی است (همان، ص ۱۵۲). علی‌رغم اینکه به گفته کلبرگ، امکان دارد برخی نقل‌های کفعمی از منابع ابن طاووس با واسطه وی باشد (همان، ص ۱۵۴)، ولی به طور قطع می‌توان گفت کفعمی شماری از منابع ابن طاووس را در اختیار داشته است.

به هر حال با توجه به اینکه کفعمی برخی اصول اربعمائة و نیز برخی کتب دیگر را که اکنون موجود نیست، در اختیار داشته است، به نظر می‌رسد پس از ابن طاووس، کتابخانه وی در مقایسه با سایر عالمان شیعی، در اولویت بازسازی است.

۲-۷. منابع کتاب صفوة الصفات

کفعمی در کتاب *صفوة الصفات* از منابع متعددی بهره برده است. وی بر اساس شیوه‌ای که در سایر آثارش نیز قابل مشاهده است، منابع خود را در آخر کتاب ذکر کرده است. تعداد منابع کفعمی در انتهای کتاب *صفوة الصفات* حدود ۱۱۴ منبع است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۵۳۳-۵۳۵). البته تعداد منابع یا صاحبان آثاری که کفعمی در داخل متن به آنها ارجاع می‌دهد، بیش از دویست اثر است (ر.ک به: کفعمی، سراسر).

به نظر می‌رسد علت این تفاوت، در شمار منابع مربوط به نقل باواسطه یا بی‌واسطه کفعمی از منابع باشد که کلب‌رگ نیز بدان اشاره کرده است (کلب‌رگ، همان، ص ۱۵۳-۱۵۴). گویا کفعمی در انتهای کتاب، تنها نام منابعی را که مستقیماً از آنها نقل کرده، آورده است؛ ولی در داخل متن نام منابع باواسطه را نیز آورده است.

از دیگر ویژگی‌های منابع مورد استفاده کفعمی اینکه: شماری از آنها کتاب‌های خود وی است که به آنها ارجاع می‌دهد (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۳۴۸، ۳۵، ۴۵ و ۴۸۶).

نگاه کلی به منابع کفعمی، تردیدی باقی نمی‌گذارد که منابع کفعمی علاوه بر تعداد آنها، از لحاظ دسته‌بندی موضوعی نیز متنوع‌اند. کتاب‌هایی که مؤلف *صفوة الصفات* از آنها بهره می‌گیرد، موضوعات مختلفی همچون: جغرافیا، عجایب و حیوان‌شناسی، لغت، ادبیات، تفسیر و حدیث را در برمی‌گیرد.

بررسی منابع کفعمی به طور کلی و حتی بررسی منابع وی در این کتاب - که دست کم ۱۱۴ اثر است - نیاز به پژوهش مستقلی دارد؛ زیرا بسیاری از آنها ناشناخته‌اند؛ از این‌رو پرداختن به آنها از حوصله این مقاله خارج است؛ اما در ادامه برای نمونه، چند مورد از آثار مهمی که کفعمی از آنها بهره برده است را معرفی می‌کنیم:

۱. کتاب **فضل الدعاء** (همان، ص ۳۴۹): کتابی با این نام را هم محمد بن حسن صفار قمی (د ۲۹۰) و هم سعد بن عبدالله اشعری قمی (د ۳۰۱ق) تألیف کرده‌اند (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۱۶، ص ۳۶۶-۳۶۷). این دو کتاب، از منابع ابن طاووس نیز بوده‌اند و کلب‌رگ از آنها نام برده است (کلب‌رگ، ۱۳۷۱، ص ۲۵۶-۲۵۸).

معلوم نیست منبع کفعمی، کدام **فضل الدعاء** بوده است. در حاشیه نسخه کتابخانه ملک، این کتاب به سعد بن عبدالله نسبت داده شده است، اما از آن رو که هنوز دقیقاً مشخص نیست این حواشی از چه کسی است، استناد به آن دشوار است (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۴۹).

۲. کتاب **البهی** (همان): درباره مؤلف و اسم دقیق این کتاب، اختلافات گسترده‌ای وجود دارد. نام این کتاب که از منابع ابن طاووس نیز بوده است، در برخی نسخه‌های همین کتاب و همچنین کتاب‌های ابن طاووس به شکل کتاب «النهی» آمده است؛ همچنین به مؤلف آن لقب «الجرمی» یا «الحرمی» نسبت داده شده است (درباره این اختلافات، ر.ک به: کلب‌رگ، ۱۳۷۱، ص ۲۲۰). تنها اطلاعات دقیقی که از این کتاب پس از بررسی‌های گسترده نگارندگان این مقاله به دست آمد، آن است که نام دقیق این کتاب «الجامع البهی فی دعوات النبی» است. شیخ داوود انطاکی (د ۱۰۰۸ق) از این کتاب در **تذکره اولی الألباب** دعایی نقل کرده است (انطاکی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۹۶)؛ اما هنوز اطلاعات دقیقی درباره مؤلف آن در دست نیست.

۳. کتاب **التحصیل** (کفعمی، همان، ص ۳۵۰): کتاب بزرگی در چند مجلد و از تألیفات سید بن طاووس بوده است که وی بدان در برخی آثارش اشاره کرده است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۳، ص ۳۹۵). کفعمی این کتاب را در اختیار داشته است.

۴. کتاب الاعتقاد (کفعمی، ۱۳۲۸، ص ۳۷۴): این کتاب تألیف احمد بن علویه اصفهانی، معروف به ابن الاسود الکاتب (د ۳۲۰ق) است. وی از شاگردان ابراهیم ثقفی (د ۲۸۳ق) صاحب الفارات بوده و همه کتاب‌های استادش را روایت کرده است (آقابزرگ، ۱۴۶ق، ج ۲، ص ۲۲۴).

۵. کتاب تلخیص الآثار فی عجائب الاقطار (کفعمی، ۱۳۲۸، صص ۴۱۸ و ۴۲۰): این کتاب تألیف عبدالرشید بن صالح باکوی است. به گفته سیدعبدالعزیز طباطبایی (د ۱۴۱۶ق) مؤلف آن، از اعلام سده هشتم هجری است و کتاب وی حاوی اطلاعات مهمی درباره روس‌ها و ترک‌ها در آن دوره است (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۵).

نتیجه

شیخ ابراهیم کفعمی از محدثان برجسته امامیه در سده نهم و دهم هجری، با تألیف حدود پنجاه اثر، تأثیر بسزایی بر فرهنگ شیعی عصر خود به‌ویژه در زمینه ادعیه و زیارات گذاشت. کتاب صفوة الصفات از آثار کمتر شناخته شده کفعمی است که کهن‌ترین اثر شیعی در شرح دعای سمات است. این کتاب نمایانگر نوآوری‌های کفعمی در شرح و فهم عبارات ادعیه است. این اثر علاوه بر مطالب اصلی، شامل برخی مباحث پیرامونی سودمند در زمینه: تفسیر، جغرافیا، طبیعت‌شناسی، زمان‌ها، فرهنگ یهودی و پیامبرشناسی است. کفعمی در این اثر، از منابعی اصیل بهره برده است که اکنون برخی از آنها موجود نیست.

منابع

• قرآن کریم.

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ **الذريعة إلى تصانيف الشيعة**؛ بيروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳-۱۴۰۶ق.
۲. ابن باقی، علی بن حسین؛ **اختیار من المصباح**؛ مشهد: نسخه خطی ش ۳۳۰۳ آستان قدس رضوی، ۱۰۹۳ق (تاریخ کتابت).
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن فهد؛ **عدة الداعی و نجاح الساعی**؛ قم: کتابخانه وجدانی، [بی تا].
۴. ابن طاووس، علی بن موسی؛ **اقبال الأعمال**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق، «الف».
۵. _____؛ **الدروع الواقیة**؛ قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، ۱۴۱۴ق، «ب».
۶. _____؛ **جمال الأسبوع**؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۱ش.
۷. _____؛ **فلاح السائل**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۸. _____؛ **كشف المحجة**؛ نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۹۵۰م.
۹. استادی، رضا؛ **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله استادی**؛ قم: چاپخانه مهر، ۱۳۵۴ش.
۱۰. افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه؛ **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک**؛ ج ۵؛ تهران: هنر، ۱۳۶۳ش.
۱۱. _____؛ **نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران**؛ دفتر پنجم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
۱۲. افندی، عبدالله بن عیسی؛ **تعلیقة أمل الآمل**؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۱۳. _____؛ **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**؛ قم: کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ق.
۱۴. امین، سید محسن؛ **أعیان الشیعة**؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۱۵. امینی، عبدالحسین؛ **الغدیر**؛ قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۶ق.
۱۶. انطاکي، داوود؛ **تذكرة اولی الألباب**؛ بیروت: المكتبة الثقافیة، [بی تا].
۱۷. بغدادی، اسماعیل پاشا؛ **إيضاح المكنون**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **أمل الآمل**؛ نجف: مكتبة الأندلس، بغداد، ۱۳۸۵ق.

۱۹. حسون، فارس؛ **مقدمة محاسبة النفس**؛ قم: مؤسسه قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۱۳ق.
۲۰. حسینی، سیداحمد؛ **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی**؛ ج ۷ و ۱۰، قم: ولایت، [بی تا].
۲۱. دهکردی، سیدابوالقاسم؛ **لمعات در شرح دعای سمات**؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۲. رشتی، سیدکاظم؛ **شرح دعاء السمات**؛ بیروت: مؤسسة العروة الوثقی، ۱۴۲۹ق.
۲۳. زرکلی، خیرالدین؛ **الأعلام**؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۲۴. سبحانی، جعفر؛ **کلیات فی علم الرجال**؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۵. شوشتری، محمدتقی؛ **الأخبار الدخیله**؛ تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۹۰ق.
۲۶. صدرایی خویی، علی؛ **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی**؛ ج ۳۰، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۲۷. صدر، سیدحسن؛ **تکملة أمل الآمل**؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۲۸. طباطبایی، سیدعبدالعزیز؛ **فهرس مخطوطات مکتبه امیرالمؤمنین القسم السادس** (شماره ۶۱ مجله تراثنا)؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۱ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن؛ **مصباح المتهدج**؛ بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱.
۳۰. قمی، عباس؛ **الکنی و الألقاب**؛ تهران: کتابخانه صدر، [بی تا].
۳۱. کفعمی، ابراهیم بن علی؛ **البلد الأمين و الدرع الحصین**؛ تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۳ق.
۳۲. _____؛ **جنة الأمان الواقیة (مصباح)**؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۳۳. _____؛ **صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات**؛ تهران: نسخه خطی ش ۱۷۲۷ کتابخانه ملی ملک، ۱۳۲۸ق (تاریخ کتابت).
۳۴. _____؛ **محاسبة النفس**؛ قم: مؤسسه قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۱۳ق.
۳۵. کلبرگ، اتان؛ **کتابخانه ابن طاووس**؛ ترجمه رسول جعفریان و سیدعلی قرائی؛ قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
۳۶. کنتوری، اعجازحسین بن محمدقلی؛ **کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و المنقار**؛ قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۳۷. عسکری، سیدمرتضی؛ معالم المدرستین؛ بیروت: مؤسسة النعمان، ۱۴۱۰ق.
۳۸. مجلسی، محمدتقی؛ بحارالانوار؛ مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۳۹. مجلسی، محمدباقر؛ ربیع الأسابیع؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
۴۰. میرجلیلی، علی محمد؛ وافی، مبانى و روش‌های فقه‌الحديثى در آن؛ تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ش.
۴۱. میرجهانی، سیدحسن؛ روائح النسمات در شرح دعای سمات؛ تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۷۰ش.
۴۲. نجاشی، احمد بن علی؛ اسماء مصنّفى الشیعه (رجال)؛ قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق.
۴۳. نوری، حسین بن محمدتقی؛ خاتمة مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسة آل‌البيت، ۱۴۱۵ق.
۴۴. _____؛ الفيض القدسى فى ترجمة العلامة المجلسى، قم: مرصاد، ۱۴۱۹ق.
۴۵. نهاوندی، علی‌اکبر؛ وسیلة النجاة در شرح دعای سمات؛ قم: نهاوندی، ۱۳۷۸ش.